

نویسنده : سکر (Saker).

منبع و تاریخ نشر : انتخاب رسانه های الترنتیف «2016-9-30».

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

جنگ علیه سوریه : روی آوردن هر دو طرف بسوی طرح «ب»

The war against Syria: Both sides go to plan "B"

بادر نظر گرفتن شکست کامل سیاست ایالات متحده امریکا بخاطر تغییر رژیم در سوریه و سرنگونی بشر الاسد – وقت آن رسیده است تا ایالات متحده امریکا از دوراه یک راه را انتخاب نماید و آن اینکه آیا میخواید در عقب میز به مذاکره بنشینید و یا اینکه میخواید دوبرابر به پایین سقوط نماید .

ظاهر آگیری (kerry) وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا و دیگران در ابتدا تلاش



نمودند تا به مذاکره پردازند ولی پنتاگون تصمیم خاینانه ای دیگری را بخاطر شکست شرایط مذاکرت (بشکل غیرقانونی) گرفت و نیروهای نظامی سوریه را در تحت بمباردمان قرار داد تا جا بیکه گیری (kerry) در نقطه ای رسید که احساسات و تمایل خود را به مذاکره زیر پا گذارد و تسلیم فیصله پنتاگون گردد چونکه او در خود دیگر قدرت مذاکره را ندید و یا به او کسی فرصت و یا موقع آنرا نمیدهد که به مذاکره دوام دهد لذا اقای گیری ناگزیر به پنتاگون و به تصمیم پنتاگون سر اطاعت گذاشت و به این صورت دوبرابر مواجهه به سقوط گردید . اکنون ایالات متحده امریکا به روسیه گوشزد می نماید و یا هشدار میدهد که اگر روسیه به حملات هوایی خود در الیپو (Aleppo) دوام دهد

در آنصورت ایالات متحده امریکا حاضر نیست که مذاکرات بین آنها از سر گرفته شود که این خود یک تهدید عجیب با توجه به اینکه امریکا بوضوح قادر به تحمل و پذیرش گفتگو نیست و نمیخواهد با مساعد شدن هر نوع شرایط تن به مذاکره بدهد. و روس ها اکنون به این نتیجه رسیده اند که امریکایی ها هیچ نوع شرایط را برای آنها مذاکره صورت گیرد نمی پذیرند روشن گردید که واکنش روسیه در مورد قابل پیشبینی بود چنانچه آقای لاوروف (LOVROV) وزیر خارجه فدراتیف روسیه اعتراف نمود که او حتی نمیتواند همکاران امریکایی خود را بخاطر دوام مذاکره جدی بگیرد. خوب: پس در صورتیکه هر دو طرف مذاکره کننده به ستوه آمده اند و یا از وضع موجود خسته شده اند بعداً چه واقع خواهد شد؟

آگاهان سیاسی با درک از وضع موجود به این باوراند که ایالات متحده امریکا ممکن سلاح های بیشتر بشمول (MANPADs) و (TOWs and javelins) به داعش ارسال نماید که تاثیر آن حاشیوی خواهد بود.



نوع موشک های هدایت شونده ضد تانک (TOWs, and javelins) امریکایی

چونکه هواپیماهای جنگی بال دار روسی به ارتفاع (5000) متر پرواز از گزند و ضربه (MANPADs) امریکایی در امان میماند و مانع پرواز این نوع هواپیماها نمیگردد

وبادر نظر داشت همین مصونیت پرواز میتوان گفت که اکنون این هواپیماهای جنگی روسیه مهیا کننده اصلی پشتیبانی قدرت شلیک برای سوریه میباشد اما هلیکوپترهای جنگی روسیه از هجوم و حمله موشک (MANPADs) در امن نمیشاند ولی با آنها تا هنوز در مقابل چندین هجوم و پرتاب این منپادهای (MANPADs) بادر نظر داشت سه فکتور



راکتهای سرشانه (MANPADs) امریکایی

عمده اعم از رسایی سلاح و تکنیک، (MI28s) و (Ka-52) موشک با حد اکثر بُرد (10 کیلومتر) و با استفاده از یک نوع چرخش وصفی در هنگام درگیری از خود مقاومت نشان داده اند که در آن یک هلیکوپتر بخاطر ضربه نمودن بالای هدف به پرواز می آید و هدف را در تحت آتش میگیرد و بعداً از محل برمیگردد و در جای آن هلیکوپتر دیگر به عملیات مشابه می پردازد و به این ترتیب هلیکوپترهای در هنگام عملیات یکدیگر خود را حفاظت مینمایند و در غیر آن با احساس خطر از منپادهای (MANPADs) مشکل است که هدف تحت آتش قرار گیرد- اما هلیکوپترهای ترانسپورتهای روسیه بیشتر در معرض خطر بالاتر توسط منپادهای (MANPADs) امریکایی میباشد بنابراین بلی: اگر ایالات متحده امریکا در این نمایشنامه موجود سوریه سیل از منپادهای (MANPADs) خود را به سوریه بفرستد و به اختیار مخالفین دولت سوریه بگذارد در آن صورت برای هواپیماهای سوریه و هلیکوپترهای ترانسپورتهای روسیه خطرات جدی را در پی خواهد داشت یعنی موانعی چندی را در هنگام عملیات های جنگی ضد مخالفین دولت سوریه بوجود خواهد آورد اما این کافی نخواهد بود که بطور قابل توجهی عملیات های جنگی روسیه و سوریه را

تحت تأثیر قرار دهد .

گزینه تشدید و تفوق روسیه در جنگ بمراتب متنوعتر است : روسیه میتواند که بیشتر تانک های نوع «T-90» (راکت اندازه های ضد تانک (TOW) امریکایی نمیتواند این تانک ها را از بین ببرد) توپخانه (بویژه راکت اندازه های مدرن چند گانه و سیستم های شعله افکن سنگین تر مانند «TOS-1») خود را به سوریه ارسال نماید .

از سوی دیگر نیروهای هوایی و فضایی روسیه میتوانند که حملات هوایی بسیار سنگین و شدید تر را با بکار بردن بمب های خوشه ای و مهمات گرم فشاری (thermobaric) بکار اندازد و در نهایت امر روسیه میتواند که چندین گردان و بطلیون های نیروهای تازه دم زمینی خود را که از هر نقطه نظر نیروهای سریع ضربتی و ماهر اند نیز به سوریه بفرستد ولی مشکلی که در این زمینه دارد آنست که مردم روسیه نمیخواهند که نیروهای نظامی شان به پیمانانه هر چه گسترده تر در جنگ سوریه درگیر شوند ولی آنچه که در اینجا



سلاح گرما فشاری (Thermobaric) روسی

قابل یادآوری است اینست که ایرانیان و بویژه نیروهای جنگی حزب الله لبنان کمبود و خالیگاه نیروها و ارتش سوریه را که به شکل از اشکال معروض به شکست و اضمحلال گردیده پر نموده اند یعنی که جاگزین نیروهای سوریه در مقابل مخالفین دولت سوریه گردیده اند - و از سوی دیگر برای روس ها غیر ممکن به نظر نمی آید که اگر روس ها بخواهند میتوانند که نیروهای مسلح خود را با داشتن تکنیک های مدرن ضربتی به خط مقدم جنگ در صورت ضرورت ارسال نمایند و بعد از انجام وظیفه از آنها را فرا خوانند یعنی بکاربرد وارد کردن ضربه و عقب نشینی هدف از بکار بردن استراتژی در اصل حمایت از مردم سوریه در مبارزه با قدرت شلیک دشمن میباشد و در عین زمان به آرامی و با اطمینان کامل تدریجاً باعث خونریزی و شکست نیروهای داعش خواهد شد یعنی در واقع به همان استراتژی قبل از آتش بس .

پس روسیه چرا در وهله اول با آتش بس موافقت کرد ؟ موافقه روسیه به آتش بس به این باور و دلیل که یک آتش بس طولانی خراب بهتر از یک جنگ خوب است ، چونکه روسیه تلاش بخرچ میدهد که به تشدید و مخالفت جدی رویا روی با امریکا مواجهه نگردد چونکه روسیه این رامیداند که زمان به نفع ویا درکنار او نیست من کاملاً مطمئن ام که ارتش روسیه ترجیح میدهد که بدون آتش بس به فعالیت های جنگی خود ادامه دهد و من همچنان به همان اندازه مطمئن هستم که آنها به همان اندازه نیز در تلاش خوب

اند که از آتش بس بیرون آیند و ببینند این تضاد یک تضاد قدیمی است و غربی ها نیز همین اکنون در انتظار نتایج اند درحالیکه روس ها همیشه در صدد کسب زمان بوده و به بسیار آرامی به حرکت می افتند یا به عباره ساده دیگر روس ها دیر بعد پخته میشود و بادر نظر داشت همین اصل است که مستمعین یا شنوندگان غرب گوش به انتظار کرملین که در تحت نظر پوتین رقم میخورد میباشند آنچنانیکه نتایج حاصله از جانب کرملین «موخر» یا «مردد» بوده یا میتوان گفت که ناامید کننده و تقریباً فاقد هدف باعزم و اراده خسته کننده به نظر میرسد که این نگرش سرشتاً در روسیه به یک پرابلم درآمده و یا تبدیل شده است - پرابلمی که عمیقاً به رهبران ایالات متحده امریکا نشان داده میشود و آن اینکه روسیه نه تنها که در مورد «مردد» است بلکه احتمالاً وحشت زده است و از یک راه انحرافی دیگر فقدان «نمایش قدرت» توسط روسیه برای ایالات متحده امریکا خطرانی چندی را در پی دارد آنچنانیکه روسیه اشاره مینماید - من همیشه شگفت زده میشوم هنگامیکه واکنش نرم دیپلماتیک غرب را با بکار بردن زبان نرم دیپلماتیک که توسط دیپلمات های روسی بکار میرود می بینم و آن اینکه امریکایی ها اشکاراً پوتین را به هیتلر مقایسه مینمایند و تقاضای منطقه پرواز ممنوع (کاملاً غیرقانونی) را بر فراز سوریه میخوانند ولی روسیه در واکنش به این گفته ها و خواسته های امریکایی ها وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا راباز هم «جان گیری» دوست و همکار خود تلقی نموده و از بکار برد هر نوع حرف زشت و تحریک کننده امتناع میورزند یعنی زبان نرم دیپلماتیک رابکار میبرند و در پی آن اند که مذاکره بین آنها دوام داشته باشد نه آنکه متوقف گردد وقتی که امریکایی ها حرف های به زبان نرم دیپلماتیک روسیه را میشوند چنین می اندیشند که روسیه در مقابل آنها ضعیف است لذا بادر نظر داشت همین اصل این امریکایی ها اند که بالای روسیه فشار بیشتر وارد مینمایند و میخواهند که روس ها را بیشتر تهدید کنند حالانکه به این دلیل و یا دلایل دیگر باز هم همین دو قدرت یعنی روسیه و ایالات متحده امریکا ناگزیراً در مسیر برخورد باهم قرار میگیرند.

هنگامیکه ماهران جنگی ایالات متحده امریکا بفهمند و یا درک نمایند که پالیسی ارسال منپادهای (MANPADs) آنها در سوریه آنچه که آنها میخواهند کارایی نیفتد و دستاوردی نداشته باشد در آنوقت است که آخرین کارت بازی خود را که عبارت از ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه است برخ خواهند کشید و یا با این کارت خود بازی خواهند کرد.

بادر نظر داشت تذکرات فوق خبر خوب اینست که در بدل آن قضاوت جنرال های ایالات متحده امریکا در این راستا به آنها این درک و فهم را خواهد داد که اینگونه حرکات تفتین آمیز از جانب ایالات متحده امریکا بمفهوم جنگ با روسیه است. و خبر بد اینکه چنین به نظر میرسد که گویا نومحافظه کاران ایالات متحده امریکا مگرم شاید مرده

باشند و یا در مجموع همانطور نباشد که هستند از آنچه که امکان وقوع چنین رویداد متصور نباشد لذا ما باید هرچه دقیقتر آنچه که مستلزم است باید به موضوع نگاه کنیم و یا مترصد اوضاع باشیم .

راه و روش حکم دکنترین ایالات متحده امریکا مبنی بر تحمیل نمودن ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه برای امریکا های بسیار ساده و خوش آیند خواهد باشد و آن اینکه نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا با دست آزاد بتوانند در همکاری با نیروهای دریایی خود با حملات موشک های کروز و بمباران مسلسل قدرت دفاعی نیروهای هوایی و قابلیت کنترل فرماندهی دشمن را تاروما رو بخاک یکسان نماید چونکه همه میدانیم که در صورت موجودیت منطقه پرواز ممنوع حملات سنگین ضدر رادر نقش کلیدی را بازی میکند و این همان زمانی است که امریکایی ها هرگونه شانس پیروزی شگفت اور تکتیکی خود را بدست می آورند و همچنان فرصتی برای شان میسر میشود که هواپیما های دشمن را در هنگام فرود آمدن از بین ببرند ، رنوی ها (Run ways) و تا سیسات مواد سوخت هواپیماهای جنگی دشمن را کاملاً تخریب و بخاک یکسان نمایند که بدین سان این مرحله اول میتواند به مدت زمان بین (48) ساعت تا (ده) روز طول کشد و باز هم این زمان به پیچیدگی بقای شبکه دفاعی دشمن بستگی دارد در مرحله دوم که معمولاً شامل جنگ های هوا در هوا خواهد بود فضای هوایی و گشت زنی هوا پیماها توسط هواپیمای اواکس (AWACS) کنترل خواهد شد- در مجموع بعد از آنکه شبکه دفاع هوایی دشمن تخریب گردید آنوقت است که برتری نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا میسر میشود و میتوانند که این نیروهای هوایی امریکا تمام تا سیسات هوایی وزمینی دشمن را از بین برده و دشمن را به تسلیمی وادارد .

این سناریو ایده ال در سوریه با رویا روی مشکلات چندی ممکن قابل اجرا خواهد بود ؟

یکم: در سوریه تنها سیستمهای چندی از (s300- s400) وجود دارد که ایالت متحده امریکا هرگز تا کنون در مقابل این سیستم به نبرد عملیات نپرداخته است بخصوص در برابر نوع نیرومند نسخه روسی این سیستم ، افزون بر آن روسیه رادرهای با برد بسیار طولانی در اختیار خود دارد که ایالات متحده امریکا با وجود سلاح های تکتیکی شگفت آور خود نمیتواند این رادرها را از فعالیت باز ایستد و یا مانع فعالیت آنها شود اخرین اما نه کمتر و آن اینکه روسیه سیستم جنگنده های الکترونیکی قدرتمندی را نیز بدست دارد که به احتمال زیاد با بکار بردن آن تمام سیستم های کلیدی اعم از کنترل فرماندهی و سیستم اطلاعاتی ایالات متحده امریکا را فلج و به هرج و مرج مبتلا میسازد .

دوم: این سیستم (s300) و (s400) و کیهیمیا میم (Khmeimim) و سلیب کلاس (slaves class) و کوزنیتسوب (kuznetsov class) که در پایگاه سواحل سوریه جا بجا اند به این مفهوم است که این وسایل عمدتاً بشکل قانونی در خاک روسیه تابع شده اند

ویا موقعیت دارند . که درعین زمان ارتباطات اطلاعاتی روسیه را نیز تامین مینمایند .



هوا پیمای نوع کیهمیا میم (Khmeimim) ساخت روسیه

لذا اگر امریکایی ها به اندازه کافی دیوانه باشند و حیثاً بخواهند که بالای این پایگاه هوایی بتا زند ویا حمله نمایند درآنصورت راه را برای هجوم انداخت های روسیه بالای کل نیروهای دریایی خود باز میسازند .



هواپیمایی جنگی نوع (SU-30SM) ساخت روسیه



هواپیمای جنگی نوع (SU-30) ساخت روسیه

سوم: روسیه تعداد کمی از هواپیمای جنگی نوع (SU-30SM) و (SU-30) خود را به سوریه ارسال ودر آنجا مستقر ساخته است ودرپهلوی آن همچنان شمار کمی از هواپیمای های اش را که هوا در هوا می جنگند به سوریه فرستاده است بهر صورت این هواپیمایها

نسبت به همه هواپیماهای جنگی ایالات متحده امریکا برتری دارد به استثنای هوا پیمای نوع (F-22A) امریکا یی که میتواند هواپیماهای روسیه را پایمال نماید ولی پرابلم در عملیات های این نوع هواپیمای امریکا یی همانا مصارف ویا هزینه گزاف پولی میباشد.



هواپیمای جنگی نوع (MIG-31) ساخت روسیه



هواپیمای جنگی نوع (31-BMS) ساخت روسیه

چهارم: استفاده ویا بابکار بردن هواپیمای اوکس ترسط نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا با این احتمال که روس ها به مقابل اوکس هواپیمای متعلق به امریکا موشک های بسیار طولانی (چه در مقیاس زمین ویا چه در مقیاس هوا) را ممکن بکار اندازند موضوع را کمی مغلق و پیچیده میسازد واین احتمال نیز غیرممکن نیست که روسیه موشک های ضد اوکس را در حریم هوایی ایران جا بجا نسا زد و حفاظت و نگهداری مصونیت آنرا به دوش جنگینده های نوع (MIG-31) و (31-BMS) نسیارد تا در هرگونه شرایط توان آنرا داشته باشد که هدف را تحت آتش قرار دهد.

پنجم: حتی اگر ایالات متحده امریکا به نحو از آنجا قادر به ایجاد پایگاه برای نیروهای فوق العاده هوایی خود در داخل قلمرو سوریه گردد در آنصورت با زهم روسیه در مقابل سه گزینشی ذیل را در دست دارد که عبارت اند از:

1- بکاربرد موشک های کروز (براه اندازی از سکوهای دریایی توسط (TO-MS95) بمب افکن .

2- از هواپیماهای گروه اعتصابی نوع (SU-39) و (SU-35) از روسیه ویا از ایران .

3- از بمب افکن های مافوق صوت دوربرد (TU-160) و (Tu-M322).

این امر میتواند که برای ایالات متحده امریکا از آنجاییکه نیروهای هوایی آن کشور از سال (1980) به اینسو در مقابل حملات این نوع هواپیماهای روسی آموزش ندیده اند مشکل خلق نماید

ششم: حتی بایک تحمل موفقیت آمیز ناشی از منطقه پرواز ممنوع در سوریه توسط ایالات متحده امریکا بغرض کمی متوقف ساختن عملیات های هوایی و حملات توپخانه و هلیکوپترهای روسی (یک کمی مشکل برای هواپیماهای بال دار روسی در تعیین هدف هنگام یورش بوجود می آورد) ویا شکار آنها در ارتفاعات پایین تر خود نیروهای هوایی و نیروهای دریایی ایالات متحده امریکا را معروض به خطر میسازد واین خود موجب تقویت نیروهای دفاعی روسیه میگردد

هفتم: آخرین ولی نه کم امروز سال (1995) نیست و سوریه هم بوسنیا (Bosnia) نیست و از جانبی اروپایی ها نیز دگر تحمل آن را ندارند که علیه سوریه بجنگند و روسیه نیز بادر نظر داشت همین اصل بی خیال است بنابراین برخی از رهبران اروپایی قطعاً به ارسال حد اقل از هواپیماهای خود که بخواهند وفاداری خود را به عمو سام نشان دهند (پولیند، جرمنی، هالند و شاید هم هواپیماهای دست دوم «F-16») اراده ندارند و رژیم ها یا دولت های مهم «فرانسه، انگلستان، ایتالیا و غیره» هیچ علاقمند مداخله نظامی خطرناک و کاملاً غیر قانونی نمی باشند که این خود نه تنها که یک مشکل نظامی برای ایالات متحده امریکا میباشد بلکه در کنار آن مشکل بزرگ سیاسی برای ایالات متحده امریکا نیز میتواند باشد .

بطور فشرده بادر نظر داشت این همه تذکرات من میتوانم به سادگی بعرض برسانم و آن اینکه اگر امریکایی ها و متحدان آنها در بسا موارد با برخورداری از مزایایی چندی از لحاظ کیفی در تمام سطوح نسبت به روس ها سلاح های زیاد داشته باشند این حد اقل برتری کیفی برای روسها با تحمل منطقه پرواز ممنوع (کاملاً غیر قانونی) برفراز سوریه موضوع کاملاً مخاطره آمیزی خواهد بود - بلی احتمالاً لاکن با هزینه بسیار قابل توجه و قرار گرفتن در معرض خطر بسیار واقعی از یک جنگ کاملاً عیار باروسیه همانطوریکه من بارها از آن یا دآوری کرده ام که اگر سوریه در تحت هجوم شدید در وسط این منطقه فرماندهی مرکزی ناتو قرارگیرد این مسولیت روسیه است که باید از لبه ای بیرونی با قدرت درد ست داشته ای خود به این هجوم نقطه ای پایانی گذارد که بخاطر انجام این وظیفه روسیه باید به دهها هواپیماهای جنگی خود داخل میدان مبارزه گردد که طبعاً

امریکا بی‌ها در مقابله با ورود هواپیماهای روسیه در صحن جنگ به صدها هواپیماهای خود را بخاطر ناکامی عملیات های روسیه به پرواز در خواهد آورد که طبعاً برای امریکاییها از نظر مالی هزینه هنگفت را ایجاب میکند که به مصرف برسانند بنا بر این سوال اساسی در اینجا است که آیا امریکایی ها میتوانند به انجام این کار دست بکار شوند و حاضر به تقبل مصارف گزاف شوند.

از نقطه نظر سیاسی در خور اهمیت پنداشته میشود که در اینجا به تشریح موارد ذیل مکرراً پرداخته شود :

1- حضور نیروهای نظامی ایالات متحده امریکادر سوریه کاملاً غیر قانونی است و در این مورد هیچ یک مجوز از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد در دست نیست .

2- هر ویا همه عملیات های نظامی که از طرف نیروهای ارتش ایالات متحده امریکا در سوریه صورت میگیرد نیز کاملاً غیر قانونی میباشد .

3- تحمیل ویا خواست ایالات متحده امریکا مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه نیز کاملاً غیر قانونی میباشد .

در نهایت امر در اینجا یک مشکل قابل ملاحظه برای ایالات متحده امریکا مبنی بر تحمیل و ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه وجود خواهد داشت و آن اینکه برای انجام این ماموریت و عملیاتیهای بسیا ر زیاد دیگر بایکار برد و ضرورت سهمگیری صدها هواپیما های جنگی آنچه که ایالات متحده می خواهد به هدف خود نایل آید دیده میشود من بادر نظر داشت همین اصل در اینجا بطور ساده و بی تکلف بعرض میرسانم و آن اینکه گمان نمیکنم که آقای اردوغان ریس جمهور ترکیه به ایالات متحده امریکاین مجوز را بدهد که هواپیماهای ایالات متحده امریکا از میدان هوایی اینجریلیک (incirlik) ترکیه بغرض انجام ماموریت ها به پرواز در آید. و عراق نیز مشابهاً تلاش بخرچ خواهد داد تا میدانهای هوایی خود را بغرض استفاد در اختیار کسی قرار ندهد بخصوص هنگامیکه نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا و روسیه در مقابل همد یگر قرار گیرند . پس در اینصورت کشورهای متحد امریکا اعم از اسرائیل ، اردن و عربستان سعودی که باید میدان های هوایی خود را به اختیار نیروهای هوایی امریکا بگذارند اما چیزیکه در اینجا بملاحظه میرسد اینست که میدان های هوایی این کشورهای مذکور آنقدر با وسایلی ضروری مجهز نیست که جواب گوی نیاز مند یهای پرواز هواپیماهای ایالات متحده امریکا باشد و از جانبی هم اسرائیل و همچنان مصر نمیخواهد که در مقابل روسیه از ماموریت ایالات متحده امریکا صریحاً حمایت نماید و از سوی دیگر اگر میدان هوایی عربستان سعودی از نظر تجهیزات همه جانبه مجهز است مشکل امریکا اینست که بُعد فاصله مانع عملیات های نیروهای هوایی امریکا میشود .

ولی با آنهم هیچ یک از این دلایل فوق مطلقاً نمیتواند مانع خواسته های ایالات متحده

امریکا گردد اما این برنامه کاملاً قابل ملاحظه و پیچیده به نظر می آید که اگر امریکا در صد تحقق این برنامه باشد .

نتیجه : خطر ابتلاء ناشی از تلاش ایالات متحده امریکا مبنی بر تحمیل و ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه در آینده قابل پیشبینی بسیار واقعی خواهد ماند البته اگر ضربات خرد کننده آقای ترومپ باعث مغلوب شدن هیلاری کلنتون در نرسیدن او به قصر سفید گردد. ولی اگر هیلاری کلنتون در انتخابات ریاست جمهوری امریکا برنده شود در آنصورت خطر هجوم بر سوریه و ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه بیشتر خواهد شد و از سوی دیگر همانطوریکه به احتمال زیاد آقای «اوباما» قبل از ترک قصر سفید نمیخواهد که با یک چوب بزرگ بخانه ای زنبور ضربه وارد نماید (که حد اقل من امیدوارم) و در نهایت امر بدون در نظر گرفتن اینکه در قصر سفید که خواهد نشست اقدام به تحمیل یک منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه خواهد نمود که در صورت مداخله نظامی نیاز به اندازه گیری در برابر به اصطلاح «دکترین پاول» دیده میشود. بنا بر این بیابید و ببینید که چگونه با طرح این سلسله از سوالات «دکترین پاول» اندازه گیری میشود :

پرسش: آیا منافع امنیتی تحت تهدید است؟

پاسخ: البته که نه.

پرسش: آیا ما در اینمورد کدام هدف کاملاً روشن داریم؟

پاسخ: نیمه.

پرسش: آیا خطر و هزینه به ارتباط موضوع بطور کامل درک و پوست کنده تجزیه و تحلیل شده است؟

پاسخ: بلی، و آنهم بطور بالقوه بسیار بالا .

پرسش: آیا همه راههای سیاست های غیر خشونت آمیز دیگر بطور کامل خسته کننده شده است و یا باز نیست؟

پاسخ: البته که نه .

پرسش: آیا استراتژی خروج قابل قبول برای جلوگیری از گرفتاری های بی پایان وجود دارد؟

پاسخ: البته که نه.

پرسش: آیا عواقب اقدامات ما بطور کامل در نظر گرفته شده است؟

پاسخ: بلی، و از همه بزرگتر و بیشتر از خطر درگیری جنگ جهانی سوم علیه روسیه .

پرسش: آیا این اقدام از طرف مردم امریکا حمایت میشود و یا پشتیبانی خواهد شد؟

پاسخ: البته که نه .

پرسش: آیا برای این اقدام خود در سطح بین المللی پشتیبان واقعی بشکل گسترده تر

داریم؟

پاسخ: البته که نه.

همانطور که ما به راحتی با طرح سوالات و ارایه پاسخ ها مطابق به معیار دکترین پاول دیدیم دریافتیم که اقدامات مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه کاملاً مواجهه به شکست بوده لذا تا زمانیکه کسی با ذهن و داشتن عقل در کاخ سفید زمام امور را در دست گیرد این همه بحث و صحبت ها آنچه که هست ویاکه تاکنون بوده است باقی خواهد ماند یعنی تهدید خالی میان تهی بویژه البته که اگر هیلاری کلنتون به قصر سفید تشریف بیاورد و سپس شخص مجنون و دیوانه ما نند مثل میخایل فلورنوی (Michele Flournoy) را بعنوان وزیر دفاع همراه با یک تیم امنیت ملی متشکل از جنگ طالبان ها روتشنه به جنگ را به وظایفی بگمارد .
لذا لطفاً قبل از آنکه در انتخابات به کدام کاندید می خواهید رای دهید مطالب فوق را جداً در نظر گیرد .

----- با تقدیم سلامها 2016-10-06